

اهمیت

و

خصوصیات

مقام قاضی

آیا تنها استقلال و قدرت و مسئولیت در قاضی کافی است

منصب قضاوت در اسلام بخاطر اهمیت خاص و ارزش فوق العاده که دارد، در درجه اول مربوط به پیامبر «ص» و امام (ع) است و سپس به مجتهدان جامع شرایط و عادل داده شده است و بهمین مناسبت شرایط ویژه‌ای برای قاضی در نظر گرفته شده و سختگیری‌های بیشتری درباره تصدی این مقام به کار رفته است.

نخست باید گفت: که قضاوت در اسلام واجب کفائی است یعنی بر هر فرد مسلمان

صلاحیتدار لازم و واجب است که برای دفع ظلم و پایان بخشیدن به خصومت‌های، اجرای عدالت و حکومت در مصالح عمومی، این منصب را پذیرا گردد ولی اگر نردی با ارادی واجد شرایط آنرا پذیرفت و یا به حد لزوم و نیاز، افراد و قضات، حکم قضاء را پذیرا شدند، تکلیف از دیگران ساقط می‌شود.

اما اگر افراد شایسته و صلاحیتدار پیدا نشد، پذیرش این مقام برای افراد شایسته و واجد شرایط، واجب عینی است و حتماً باید پذیرد (۱) زیرا ادامه حیات، اجتماعی و برقراری عدالت و حق در جامعه بدون داشتن حاکم و قضات عادل، امکان پذیر نیست. و چنین جامعه به هرج و مرج گرائیده و جان و مال و آبرو و حقوق مردم در آن محیط پایمال می‌گردد.

قاضی، امین جان و مال و ناموس مردم است و حافظ حقوق و امنیت ملت و کشور می‌باشد، جامعه‌ای که دارای امنیت قضائی نباشد و یا فاقد قاضی عدل و امین باشد، بسان زندان، بلکه بصورت جهنمی، برای مردم درخواهد آمد و در چنان جامعه‌ای قانون جنگل حاکم میشود.

تصدی این مقام توسط افراد ناشایست بعدی خطرناک است که حتی در روایات ما، قضاوت و حکم افراد فاقد شرایط در مورد اشیاء کوچک و کم ارزش نیز، حرام است، و برای کسی که مجتهد عادل نیست و فتوا و حکم را نداند، حرام است هر چند مردم او را شایسته و صلاحیتدار بدانند. (۲) از طرفی هم اسلام، مراجعه به حاکم جور و قاضی بی-صلاحیت و فاقد شرایط را حرام کرده است و مراجعه کننده به آنان، معصیت کرده است. (۳) و آنچه که بحکم او بگیرد هر چند، دین و بدهکاری خودش باشد، حرام است. و حتی شریک در گناه قاضی جور است، (۴) در اهمیت و خطیر بودن این مقام همین بس که در روایات آمده است: «إِنَّ الْقَاضِيَ عَلَى شَفِيرِ جَهَنَّمَ» قاضی بر لب پرتگاه جهنم است، و امام

۱- به کتب فقهی و استدلالی شیعه مانند جواهر الکلام - مفتاح الکرامه - قضاء و شهادات و تحریر علامه ریاض، - تحریر الوسيله ج ۲ و نیز به کتب اهل سنت، فقه السنة ج ۳ ص ۲۹۲ و بدایة المجتهد، مراجعه شود.

۲- تحریر الوسيله ج ۲ ص ۴۰۵

۳- همان مدرک و کتاب قضاء و شهادات ص ۷ ... وَإِنْ كَانَ حَقًّا فَأَيُّا لَهُ ...

۴- آيَةً مَوْمِنٍ قَدِمَ فِي خُصُومَةٍ إِلَى قَاضِيٍّ أَوْ سُلْطَانٍ جَائِرٍ نَقَضَى عَلَيْهِ بِغَيْرِ حُكْمٍ اللَّهُ فَقَدْ شَرِكُهُ فِي الْإِثْمِ ... وسایل الشیعه کتاب قضاء

(ع) حکم برخلاف حق، و حکم خداوند، را کفر دانسته است «مَنْ حَكَمَ فِي دَرْهَمَيْنِ بَغْيَرَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فَقَدْ كَفَرَ» (۵) کسی که برخلاف حکم خداوند حتی درباره دو درهم حکم کند، کافر است.

«إِنَّ لِسَانَ الْقَاضِي بَيْنَ جَمْرَتَيْنِ مِنْ نَارٍ، حَتَّى يَقْضِيَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا فِي الْجَنَّةِ وَإِمَامًا فِي النَّارِ» زبان قاضی در میان دو شعله و جرقه آتش قرار دارد، تا وقتی که در بین مردم حکم و قضاوت نماید که در آن صورت اگر بحق بود در بهشت و اگر ناحق، در جهنم است (۶) شرایط قضاوت: در هیچ مذهب و مکتبی به اندازه اسلام دقت و سختگیری درباره انتخاب قاضی، نشده است خصوصیات و شروطی در این مکتب با موشکافی دقیق درباره تصدی این پست حساس، در نظر گرفته شده است که در هیچ جاسابقه ندارد. و باید هم چنین باشد. چون سرنوشت ملت و مملکت و مال و جان و ناموس و هستی و حیثیت همگان حتی ملتی، در شرایط فعلی انقلابی، در دست این افراد است. کمترین غفلتی، بزرگترین لطمه جبران ناپذیر را به مردم و کشور وارد میسازد.

از جمله تاکتیک های کمونیست ها این است که مسأله سیاست «حلقه زنجیری» را برای نفوذ در کشورها توسط عمال خود، توصیه و تأکید می کنند. و می گویند: برای بدست گرفتن حکومت در یک کشور کافی است که یکی از این حلقه ها را بدست گیریم تا در نتیجه، حلقات پائین تر از آن خود ما خواهد بود، و برای نفوذ در حلقه های بالاتر تلاش می کنیم، که یکی از آنها وزارت دادگستری است، (۷) تا همه جا افراد خودی را تیرنه و برای مخالفان خود و افرادی که احتمال رقیب شدن آنان زیاد است، پاهوش و سندوپرونده، درست کرده و آنان را محکوم و معدوم نمایند.

بنابراین لازم است تا اجمالا موقعیت قاضی را در برخی از مکتب های دیگر بررسی کنیم.

درباره موقعیت قاضی در مغرب زمین، عقاید و مکتب های مختلفی وجود دارد. قوانین مدنی جدید ایران پیش از انقلاب، اکثر آرز فرانسه اقتباس شده بود ولی بعداً مکتب جوانتری در ایتالیا تشکیل شد که از مکتب حقوقی نیرومند آلمانی، الهام

۵ و ۶- تحریر الوسیله ج ۲ ص ۴۰۴ و وسایل الشیعه.

۷- حلقه زنجیری دیگر، پست مخابرات و وزارت کشور است اولی در کنترل اخبار و گزارشها و دومی در انتصاب افراد مورد نظر امریست حیاتی... به کتاب مزدوران کرملین... رجوع شود.

گرفته بود.

اکنون باید دید قاضی در اینگونه مکتب‌ها چه ویژگی‌هایی دارد.

«منتسکیو» که مقتدای حقوق فرانسوی است، می‌گوید: «قضات ملت‌جز دهانی که اقوال قانون را اداء می‌کند و جز وجودهای غیرذی روح، عنوان دیگری ندارد!» یعنی قضات صرفاً بیان‌کننده قانون میباشند. *

ولی مکتب دیگر در نقطه مقابل آن، قاضی را کاشف حق نمی‌داند بلکه می‌گوید: قاضی منشاء حق و خالق حق است.

بنابراین «منتسکیو» مرکز حق را، قانون و لی این مکتب، قاضی را محور و مدار حق دانسته است. (۸)

دیوان عالی ایالات متحده در یکی از شعارها و کلمات قصار خود اعلام کرده است که مشروطیت و قانون اساسی در دست قضات است و آنچه را که قضات تشخیص بدهند قانون اساسی است و همان معتبر است و غیر از آن، قانون اساسی مفهومی ندارد. (۹)

هریک از این مکتبها گرچه جلوه ظاهر و دلپسندی دارد ولی انتقاد و اشکالات فراوان نیز بر آنها وارد است که به‌طور خلاصه می‌توان گفت که چون استقلال قاضی و فهم و درک و تشخیص و اختیارات قاضی را در قسمت اول نادیده گرفته و در قسمت دوم، نیز هرگز نمی‌توان شخص قاضی را محور حق دانست و حتی خطاء و انحراف او را احیاناً حق مطلق فرض کرد و گفت: هرچه آن خسرو کند شیرین بود.؟؟

مبالغه و مغالطه کاری قسمت سوم، نیز بر کسی پوشیده نیست.

در قوانین استخدامی و آئیننامه‌های دادرسی، بسیاری از کشورها علاوه بر سلامت جسمی تنها به این اکتفاء شده است که قاضی باید فارغ التحصیل دانشکده حقوق مثلا باشد، و مراحل کلاسیک و دوره حقوق را طی کرده باشد، مترقی‌ترین مکتبها، و کشورها، بیش از سه اصل اساسی را در قضاوت معتبر ندانسته‌اند که عبارتست از، استقلال، قدرت، مسئولیت.

استقلال، در برابر نیازها، نفوذا و ترس از قدرتها و ... که در نحوه قضاوت او اثر نگذارد.

* روح القوانین.

۸ و ۹- آئین دادرسی ج ۲ دکتر متین دفتری